

# اطلاعات و تحقیقات از نظر اسلام



علی احمدی میانجی

(۱) ۴۶۲

(SC)

پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران به رهبری مرجع معظم جهان تشیع حضرت آیه الله العظمی خمینی دام ظلّه و تشکیل حکومت جمهوری اسلامی ایران و کشف توطئه های مخالفین یکی از پس دیگری، این فکر در ذهن من بوجود آمد که:

آیا در اسلام تشکیلاتی برای جمع آوری اطلاعات و تحقیقات برای حفظ حکومت اسلامی پیش بینی شده یا نه؟

و آیا رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) برای مقابله با توطئه های منافقین و یهود در داخل مدینه و برای پیشگیری از حملات دشمنان خارجی چه می کردند؟

و آیا امیرالمؤمنین علی علیه السلام برای جلوگیری از اقدامات مخالفین مثل طلحه و زبیر و عوامل نفوذی معاویه و تحریکات خوارج چه رویه ای داشته است؟

برای بدست آوردن پاسخ سوالات فوق به منابع علمی تواریخ، تفاسیر، کتب حدیث و... مراجعه کرده و از صاحب نظران محقق نیز در تحقیق این مطلب مهم درخواست کمک نمودم. اینک مجموع نتایج بدست آمده در معرض افکار خوانندگان محترم قرار می گیرد تا از انتقادات سازنده و راهنماییهای لازمشان استفاده شده بلکه در آینده، اثری مفید و سودمند در این باره در اختیار امت اسلامی قرار گیرد.

مسئلاً حکومت اسلامی برای اطلاع از وضع کشورهای مجاور و یامزاحم و یا دیگر ممالک و بدست آوردن افکار و تصمیمات و دیدگاههایشان نسبت به حکومت اسلامی، احتیاج به یک تشکیلات اداری منظم و اقدامات مفید و تعیین افراد لایق دارد.

و همچنین برای پیشگیری از تحریکات دشمنان خارجی بوسیله ایادی داخلی و عوامل نفوذی و جاموسان خود در داخل کشور و یا برای جلوگیری از اختلالگری و افساد کسانی که منافع نامشروع شخصی خود را در خطر می بینند و یا به هوای ریاست و کشورداری از غیر طریق قانونی آن هستند و یا صاحبان مکتبهای انحرافی و ضداسلام، باید مراقبتهای لازم را انجام دهد.



و همچنین در مورد استخدام کارمندان و گزینش افرادی متعهد و پیدا کردن اشخاص لایق با در نظر گرفتن شرایطی که در روایات و احادیث در این مورد ذکر شده است (وما در فصل سوم در این جهت بحث خواهیم نمود) باید دقت کامل نماید.

و همچنین برای اطلاع پیدا کردن مسئولین از وضع مردم و گرفتاریها و احتیاجات و یا رضایت یا نارضایتی آنان و اطلاع یافتن از اعمال و رفتار کارمندان خود در رابطه با برخورد با مردم و یا تجاوز به حق آنان و اختلاس از بیت المال و یا نسبت به انجام سریع وظائف محوله یا مسامحه و ملاحظه نمودنشان، پیوسته باید بوسیله مأمورین مخفی و امین در جریان کار قرار گیرد.

مطالب بدست آمده در این موضوع را در سه فصل تنظیم نمودیم:  
فصل اول: بیان ادله‌ای که ما را به لزوم چنین اقدامی هدایت می‌کند.  
فصل دوم: در خطرات و آفات شرعی و عقلی اینکار که مسئولین در مرحله اول  
و مأمورین انجام این مسئولیت خطیر قهراً در مرحله دوم با آن خطرات و آفات مواجه  
خواهند شد.



فصل سوم: در کیفیت وقوع این عمل ضروری و خطیر در دوران حکومت  
رسول الله (صلی الله علیه وآله) و امیرالمؤمنین (صلوات الله علیه).

### فصل اول

ادله‌ای را که در این رابطه تا کنون بدست آورده‌ایم به این ترتیب در  
اینجا ذکر می‌کنیم:

#### الف - حکم عقل:

عقل انسانی بطور وضوح، هرج و مرج و فساد اجتماعی و عدم امنیت  
و شیوع فحشاء و ظلم و منکرات را تقبیح کرده و مبارزه با اختلال نظم و ایجاد  
هرج و مرج و فساد و منکرات را لازم می‌داند.

معلوم است که دفع و رفع اینها متوقف بر ایجاد نظام و وجود نظم می‌باشد  
و روی همین جهت عقل حفظ نظام و نظم را واجب می‌داند.

شیخ بزرگوار رحمه الله تعالی در کتاب «مکاسب» در بحث ولایت جائر  
در مقام بیان اقسام ولایت می‌فرماید:

«ومنها ما یكون واجبة وهي ما توقف الأمر بالمعروف والنهي عن المنکر  
الواجبان علیه، فان ما لا يتم الواجب الآبه واجب مع القدرة»<sup>(۱)</sup>

(۱) مکاسب محرمة ص ۸۷ ط اصفهان و تذکرة ج ۱/ ۵۸۳ س ۲۱.

یعنی: برخی از اقسام ولایت، واجب می باشد و آن ولایتی است که امر به معروف و نهی از منکر، متوقف بر آن است، زیرا مقدمه واجب در صورت قدرت، واجب است.

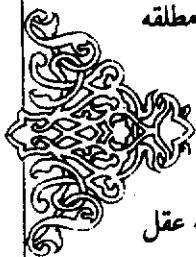
و در جای دیگر می فرماید:

«ثم انه يسوغ الولاية المذكورة امران: احدهما القيام بمصالح العباد...<sup>۱</sup>  
یعنی: آنچه که ولایت را تجویز می نماید دو چیز است: یکی قیام به مصالح بندگان خدا.....»

و در باب اخذ اجرت بر واجبات می فرماید:

«ان وجوب الصناعات ليس مشروطاً ببذل العوض لأنه لأقامة النظام التي هي من الواجبات المطلقة»<sup>۲</sup>.

یعنی: واجب بودن صناعات، مشروط به دادن عوض در مقابل آن نیست زیرا وجوب صناعت برای برپائی نظام است و (برپائی نظام) از واجبات مطلقه می باشد.



ظاهراً مقصود مرحوم شیخ از وجوب صناعت، وجوب عقلی است که عقل برای برپاداشتن نظام، صنعتها را برای اشخاصی که می توانند انجام دهند، یا می توانند یاد بگیرند، واجب می داند. *گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی*

و مراد از نظام، حکومت نیست بلکه منظم بودن زندگی بشر و رفع اختلال و هرج و مرج است.

و احتمال می رود که نظر مرحوم شیخ به قاعده کلی ای میباشد که از ادله متفرقه در ابواب مختلفه فقه اصطیاد استفاده می شود.

(۱) مکاسب ص ۸۷ ط اصفهان.

(۲) کتاب مکاسب در مسئله اخذ اجرت بر واجبات.

شهید اول رحمه الله تعالی در کتاب لمعه و شهید ثانی رحمه الله تعالی در شرح آن در بیان کسب واجب فرموده اند: «ومطلق التجارة التي يتم بها نظام النوع الأنساني فان ذلك من الواجبات الكفائية». و در مفتاح الكرامة در کتاب متاجر ص ۵ می فرماید: «...الواجب من التجارة... ما به يتحقق نظام النوع».

در ریاض می فرماید:

«... واخرج بالذاتی، التوصلی کاکثر الصناعات الواجبة کفاية توسلاً الى ما هو المقصود من الأمر بها وهو انتظام امر المعاش والمعاد...»<sup>۱</sup>  
کلام صاحب ریاض معنی نظام را که در کلمات فقهاء واقع است، روشن می سازد.

غرض از ذکر کلمات فقهاء رضوان الله عليهم این است که روشن شود، فقهاء بزرگ ما، وجوب حفظ نظام را مسلم دانسته و صنایع را آن مقداری که نظام بر آن متوقف است، واجب کفائی یا عینی دانسته اند.

آية الله العظمی امام خمینی دام ظلّه العالی تردید کرده اند که آیا حفظ نظام واجب است یا اخلال به آن حرام، و در کتاب مکاسب محرمة می فرمایند:  
«لكن الشأن في ان حفظ النظام واجب او الاخلال به حرام»<sup>۲</sup>

ولی این تردید با مطلب ما منافات ندارد، زیرا ما می گوئیم هر عملی که نظام را به هم بزند جائز نیست و هر عملی هم که حفظ نظام بر او توقف دارد، لازم است.



پس بر هر مکلفی لازم است که در گفتار و رفتار خود، بلکه در سکوت و بی تفاوت بودن خود این جهت را در نظر بگیرد، زیرا گاهی سکوت و بی تفاوت بودن فردی، امنیت عمومی را بهم زده و ایجاد هرج و مرج می کند.  
البته وجوب حفظ نظام یا حرمت اخلال به نظم، در مسئولین و غیر مسئولین لوازم مختلفی (مطابق مقام و شأنی که دارند) دارد.  
مسئول باید مأمور برای مراقبت و حفظ نظام و نظم بگمارد و دستورات لازم را برای حفظ نظم صادر یا ابلاغ نماید.

(۱) ج ۱ کتاب تجارت.

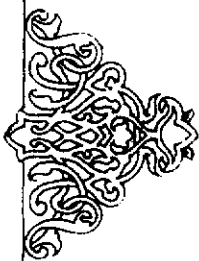
در جامع المقاصد ج ۱/۲۰۲ در شرح قول علامه رحمه الله «فمنه واجب» فرموده: «..... وأن يدرج فيه أيضاً مطلق التجارة التي بها يتحقق نظام النوع فان ذلك من الواجبات الكفائية».

(۲) مکاسب محرمة ج ۲/۲۰۳/۲۰۴.

و مردم هم باید با اطاعت کردن از دستورات ولی امر و با ارشاد و امر بمعروف و نهی ازمنکر و با گزارش چیزهایی که (موجب فساد واخلال در جامعه است) دیده و یا شنیده اند وظیفه شرعی و اجتماعی خود را انجام دهند.

ولی امر باید در حوزه مأموریت الهی خویش، اشخاص سالم و مطلع و مورد وثوق را برای انجام کارهای اجتماعی نصب کند و مردم هم اگر از مأمورین خلافی دیدند به مقامات مسئول اعلام کنند.

علماء و دانشمندان اسلامی در بحث امامت عامه که استدلال عقلی به وجوب وجود امام کرده اند به همین برهان عقلی تمسک نموده اند.



## ب - آیات

«يا ايها الذين آمنوا خذوا حذرکم فانفروا ثبات او انفروا جميعاً»<sup>۱</sup>.

در تفسیر کلمه «حِذْر» دو احتمال داده شده است:

۱ - حِذْر: ما یحذربه وهو آلة الحذر كالسلاح و«حَذْر» احتراز عن مخیف<sup>۲</sup>.

۲ - الحَذْر والحِذْر بمعنی كالأثر والأثر يقال: أخذ حذره اذا تیقظ واحترز من الخوف كانه جعل الحذر آله التي یقی بها نفسه و یعصم بها روحه والمعنی واحترزوا من العدو ولا تمکنوه من انفسکم<sup>۳</sup>.

در لسان العرب می گوید: الحَذْر والحِذْر: الخيفة

و قرطبی می گوید: الحَذْر والحِذْر لغتان كالمثل والمِثل قال الفراء:

اکثر الکلام الحَذْر والحِذْر مسموع ایضا، یقال خذ حَذْرک ای احذر وقیل خذوا

(۱) سوره نساء، آیه ۷۱.

(۲) المیزان و مفردات راغب.

(۳) کشاف ج ۱/۵۳۲ و مجمع البیان در «اللغة» و فخر رازی کلام کشاف را آورده و اقوال را نقل

می کند، و تفسیر قرطبی ج ۲۷۳/۵، و بیضاوی ص ۱۴۴.

السلاح حَذْرًا، لان به الحَذْرًا<sup>۱</sup>.

فیروز آبادی می گوید: الجذر بالكسر ويحرك : الاحتراز

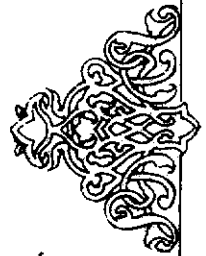
معنای آیه: ای مؤمنین احتراز کنید و احتیاط کنید (آماده باشید) دسته دسته یا دسته جمعی (بسوی جبهه) حرکت ننمائید.

در تفسیر آیه، مطابق دوقولی که در معنای حذر آمده دو نظریه اظهار شده

است:

۱- امر به اینکه اسلحه هایتان را برداشته و عازم جبهه ها شوید.

۲- همواره بیدار و محتاط باشید تا غافلگیر نشوید.<sup>۲</sup>



استاد بزرگوار علامه طباطبائی رحمه الله تعالی می فرماید: این آیات که - مؤمنین را تبرغیب و تشویق به جهاد می کند و در زمانی نازل شد که مسلمانان تحت فشار بسیار شدید مشرکین بودند - مانند ذی المقدمه نسبت به آیات قبلی است. و گویا این زمان در اوائل (ربع دوم) اقامت پیامبر اکرم (ص) در مدینه بوده که عرب از هر طرف بر علیه مسلمانان هجوم آورده بودند تا نور خدا را خاموش ساخته و بنیان رفیع دین را ویران کنند و لذا رسول خدا صلی الله علیه وآله (مرتبا) با مشرکین قریش و طاغوتهای عرب درگیر بوده جنگ می کرد و به اطراف واکشاف جزیره العرب لشکر می فرستاد و پایه های دین را همواره در میان مؤمنین استحکام بخشیده و بالا می برد.

و منافقان هم که در میان مسلمانان بودند و برای خود قوت و قدرتی داشتند ، در روز «احد» معلوم گردید که جمعیت آنان از نصف جمعیت مسلمانان،

(۱) تفسیر قرطبی ج ۵/۲۷۳.

معنای دوم را تأیید می کند اینکه در آیه دیگر می فرماید: «ولیاخذوا جذرم واسلحتهم» که حذر در مقابل اسلحه ذکر شده است. نساء/۱۲

(۲) این دو احتمال را اکثر مفسرین نقل کرده اند، رجوع شود به تبیان ج ۳/۲۵۳، مجمع البیان ج ۳/۷۳، میزان ج ۴/۴۱۵، فخر رازی ج ۱۰/۱۷۶، طبری ج ۵/۱۰۴.

خیلی کمتر نیست. واینان همواره بر سرکارهای رسول خدا صلی الله علیه وآله ایجاد مانع می کردند ومنتظر فرصت بودند که ضربه بزنند و مؤمنین را (با توسل به انواع تبلیغات و حیلها) از رفتن به جنگ باز میداشتند، عده ای از مسلمانان هم که قلبشان مریض بود، به حرف منافقین گوش داده و از گفتار آنها تبعیت می کردند، و یهود نیز در اطراف، فتنه انگیزی نموده و با مسلمانان می جنگیدند. عرب مدینه هم نسبت به یهود احترام گذاشته و از قدیم الایام برای آنان اهمیت قائل بودند ولی یهود در میان اعراب بر علیه مسلمانان و اسلام تبلیغ می کردند و برای از بین بردن ایمان خالص مسلمانان، دروغ و شایعه ساخته و احادیث گمراه کننده جعل کرده و از طرف دیگر مشرکین را بر علیه مسلمانان تشجیع می نمودند.



وگویی آیات قبلی، کید و مکر یهود را ابطال کرده و جلوتبلیغات آنها را می گیرد و این آیات که از منافقین سخن می گوید، در حکم تکمیل راهنمایی و ارشاد مسلمانان است و آنها را با اوضاع زمان حاضر خود آشنا می کند تا صاحب بصیرت شوند و از مرضی که در ضمیرشان نفوذ کرده در امان بمانند ... و دستور می دهد که «یا ایها الذین آمنوا خذوا حذرکم».

به هر حال آیه مبارکه، مسلمانان را بر «حذر» امر می کند که فریب تبلیغات منافقین و یهود را نخورند و آگاهانه مبارزه خود را ادامه دهند و در هنگام حمله، باز در «حذر» باشند و از دشمن، عددشان، نقشه های جنگی و تصمیم شان، کمین، حیلها، دسیسه ها و اسلحه و مهماتشان آگاهی پیدا کنند و از جمله حذرشان یکی هم برداشتن اسلحه است.

پس در حقیقت معنای اول، از مصادیق معنای دوم است و میان دو معنی تنافی نیست.

بالآخره خداوند سبحان مسلمانان را بطور کلی به «حذر» امر می فرماید<sup>۱</sup>

(۱) که گوی تبلیغات منافقین و یهود را نخورند و با آگاهی کامل عازم جنگ شوند.



و سپس حرکت بسوی جبهه ها را دسته دسته و یا دسته جمعی برآن مترتب می سازد.

«حِذْر» و «حَذْر» عبارت است از کشیک دادن و آماده شدن برای مواجهه با دشمن، و آماده شدن به این است که از حال دشمن آگاه باشد و مقدار نیرو و استعداد جنگی او را بفهمد و اگر دشمن متعدد باشد، روابط میان آنان را نیز بدست آورد که با هم وابستگی و اتحاد دارند یا نه؟ تا وسائل و ابزار جنگی، برای مقابله با هجوم آنان را تهیه و آماده سازد.

این سه موضوع باید مد نظر قرار گیرد زیرا اگر دشمن، مسلمانان را غافلگیر کند، برآنها هجوم می آورد و اگر هم الان هجوم نکند، دائماً آنها را تهدید خواهد کرد و اگر آنها در اثر قوت اسلام در داخل کشور تهدید نشوند، در مرزها و سرحدات در امان نخواهند بود و اگر خواستند در مرزها استحکاماتی بوجود آورده و یا مراسم مذهبی انجام دهند حتماً دشمن متعرض آنها خواهد شد و اگر مسافرت خارجی برایشان پیش آمد کند، جان و مال و ناموسشان در خطر خواهد بود و آیه «خذوا حذرکم» شامل همه این پیش بینی ها و آمادگیهاست کما اینکه در آیه دیگر می فرماید: «واعدوا لهم ما استطعتم من قوة ومن رباط الخيل...»<sup>۱</sup>.



شایسته است که اندیشمندان و صاحبان درایت و فهم فکر کنند تا مقدمات امثال امر در این آیه کریمه را فراهم آورده و در جهت تهیه و آماده شدن (که داخل در معنی آیه شریفه و در «حِذْر» است) گام بردارند از قبیل: شناختن و تهیه سلاحهای مختلف (و مناسب با وضع جغرافیائی) آموزش نظامی، و نحوه کاربرد آنها و اگر شناخت و استعمال این سلاحها موقوف به فراگیری علمی از قبیل علم شیمی، فیزیک، هندسه و..... باشد، یاد گرفتن آن هم لازم خواهد بود کما اینکه شرایط موجود در عصر حاضر، مقتضی فراگیری همه این علوم هست

(۱) سوره انفال، آیه ۶۰.

زیرا خداوند متعال «حذر» را در تمام انواع آن واجب کرده است بعنوان نمونه رسول خدا (ص) از موقعیت سوق الجیشی دشمن کاملاً باخبر بودند و در مکه جاسوسان و عیونی داشتند که برای آن حضرت خبر و گزارشات لازم را تهیه می نمودند. مثلاً وقتی گزارش رسید که قریش به پیمان «حدیبیه» وفادار نمانده و آن را شکسته است، حضرت آماده فتح مکه گشتند.<sup>۱</sup>

و چون پیغمبر اسلام (ص) در میان مردم دشمنانی (منافقین، یهود، کفار) داشتند، لذا حضرتش از همه مردم «حذر» و «احتیاط» می کردند ولی کسی نمی فهمید که ایشان از او حذر دارند:

«یحذرن الناس و یحترس منهم من غیر ان یطوی من احد منهم بشره»<sup>۲</sup>  
و در مدت اقامت رسول الله صلی الله علیه وآله در مدینه مردم این شهر همواره مسلح بودند «اهل المدینه کانوا لا یبیتون الا بسلاح»<sup>۳</sup>.  
قرآن مجید در آیه دیگر هم دستور می دهد که مسلمانان در جبهه چگونه نماز بخوانند و مکرراً دستور «حذر» و «احتیاط» می دهد:

«و اذا كنت اقامت لهم الصلاة فلتقم طائفة منهم معك وليأخذوا اسلحتهم فاذا سجدوا فليكونوا من ورائكم ولتأت طائفة اخرى لم يصلوا فليصلوا معك وليأخذوا حذرهم و اسلحتهم، و الذين كفروا لو تغفلون عن اسلحتكم و امتعتكم فيمیلون علیکم ميلة واحدة و لا جناح علیکم ان کان بکم اذی من مطر او کنتم مرضی ان تضعوا اسلحتکم وخذوا حذرکم ان الله اعد للکافرين عذاباً مهیباً»<sup>۴</sup>

(۱) تفسیر المنارج ۵/۲۵۱ از سخنان شیخ محمد عبده.

(۲) ترتیب اداریه ج ۲/۴۵۰ بحار الانوار ج ۱۶ ص ۱۵۱ بنقل از عیون اخبار الرضا، معانی الاخبار، مکارم الاخلاق ص ۱۶۱.

(۳) دلائل النبوة بیتهی ج ۲/۲۹۹ و ترتیب اداریه ج ۱/۳۴۸ در این موضوع بحث مفصلی انشاء الله تعالی خواهد آمد.

(۴) سوره نساء، آیه ۱۰۲.

رجوع شود به تفسیر بیان ج ۳/۳۰۹ و مجمع البیان ج ۳/۱۰۱ و کشاف ج ۱/۵۵۹ و المنارج ۵/۳۶۲ و قرطبی ج ۵/۳۶۳ و رازی ج ۱۱/۲۳ و بیضاوی ص ۱۵۲.

باید توجه داشت که ذکر «حذر» و «اسلحه» در کنار هم در آیه شریفه قرینه است بر اینکه «حذر» بمعنای «اسلحه» نیست ولی ممکن است که اسلحه مصداق حذر باشد و دیگر اینکه مقابل «حذر» بجای عدم حذر، غفلت ذکر شده است پس معلوم می شود که مراد از «حذر» عدم غفلت است.

و نیز با تصریح آیه شریفه بر اینکه در صورت عذر، می توان اسلحه را زمین گذاشت و در عین حال می فرماید: «وخذوا حذرکم» این خود قرینه است بر اینکه مراد از «حذر» اسلحه نیست.

یعنی: ای رسول خدا اگر برای مسلمانان (در جبهه) نماز را اقامه نمودی یک عده اسلحه بگیرند و با مراعات احتیاط با تو نماز بخوانند (و بقیه جلو دشمن باشند) وقتی که سجده کردند (نماز را تمام کنند) و پشت سر شما (جلو دشمن باشند تا) آن طائفه ای که نماز نخوانده اند بیایند با شما نماز بخوانند آنها هم احتیاط لازم و اسلحه را با خود داشته باشند، کفار دوست دارند که شما از اسلحه و امتعه خود غفلت کنید (همه مشغول نماز باشید) تا یکبار به شما حمله کنند، و اشکالی ندارد اگر به جهت باران و مرض، معذور باشید اسلحه را زمین بگذارید و احتیاط لازم را مراعات نمائید.



خداوند متعال در این آیه، سه بار مسلمانان را به مراعات کردن «حذر» امر می کند و «حذر» را هم مطلق گذاشته اند که شامل همه انواع «حذر» می شود. همانطوریکه استاد علامه طباطبائی در المیزان و شیخ محمد عبده در درس خود بنا به نقل المنار بیان کرده اند.

آیه اول در امر به «حذر» اختصاص به جنگ ندارد و همه در هر حال باید در مورد حفظ اسلام و حکومت اسلامی و اجتماع مسلمین این وظیفه خطیر را انجام دهند تا از طرف مخالفین داخلی با دشمنان خارجی خطری متوجه آنان نشود.

و در باره منافقین بالخصوص می فرماید:

«وإذا رأيتهم تعجبك اجسامهم وان يقولوا تسمع لقولهم كأنهم خشب مسندة

يحبسون كل صبيحة عليهم هم العدو فاحذرهم قاتلهم الله انى يؤفكون»<sup>۱</sup>.

وقتی می بینی، وضع جسمی شان تو را باعجاب و امیدارد و اگر حرف بزنند گوش فرا می داری گویا چوبی هستند که به دیوار تکیه داده شده اند (نمی شنوند و نمی فهمند) هر صدائی بشنوند گمان می کنند که دشمن (است که آمده است) پس از اینها برحذر باش (احتیاط کن و از خود و اسلام حراست نما) خدا اینان را بکشد (از حق روگردان شده اند) کجا می برندشان.

دستور می دهد که از منافقین که در داخل هستند (و هر آن احتمال خبرچینی و افشای اسرار مسلمانها و رابطه برقرار کردن با دشمنان خارجی و توطئه در داخل و کارشکنی و سست کردن مسلمانان و القاء کردن شبهات در دل ضعفاء و شایعه سازی و ترور فکری و جسمی و ترور شخصیتها در باره آنها هست) احتیاط کن.

حالا احتیاط کردن از منافقین چگونه و به چه نحوی ممکن بود و عملاً چگونه انجام می دادند بحث دیگری است که بعداً در فصل سوم خواهد آمد انشاء الله تعالی.

ادامه دارد

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

(۱) سورة منافقون، آیه ۴.

رجوع شود به قرطبی ج ۱۸/۱۲۴ - ۱۲۹ «فاحذرهم، وجهان: احدهما فاحذر ان تلق بقولهم او تمیل الی کلامهم، الثانی فاحذر مما یلتهم لاعدائک و تخذیلهم لاصحابک» و بیضاوی ص ۷۶۶ و تبیان ج ۱۰/۱۲ و مجمع البیان ج ۱۰/۲۹۰ و رازی ج ۳۰/۱۴.